

طراحی الگوی سیاست‌پژوهی در نظام آموزش عالی ایران

حمید جاودانی^۱

چکیده

واگرایی میان دانش پژوهشی و تصمیم‌گیری یا سیاستگذاری و اجرای آنها در زمینه‌های مختلف کنش اجتماعی از جمله مسائل اصلی سیاست عمومی است که از یک سو، مباحث گسترده‌ای را برانگیخته و از سوی دیگر، این واگرایی علاوه بر ایجاد شکاف میان کنشگران اجتماعات گوناگون، موجب گسست عرصه عمل و دانش بشری شده است. اگر چه می‌توان شاهد این گسست و واگرایی در عرصه جامعه جهانی بود، اما فاصله‌ها در کشورهای در حال توسعه به مراتب ژرف‌تر است. از این رو، در این پژوهش تلاش شده است تا ضمن بررسی وضعیت سیاست‌پژوهی در کشور ایران، برای ایجاد و توسعه نهادی که به تعبیری لایه گمشده نظام تصمیم‌گیری در کشور است، الگوهای طراحی شود. روش پژوهش مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای در دو قلمرو ادبیات مربوط به سیاست عمومی و به‌ویژه سیاست‌پژوهی و تحلیل وضعیت تولید دانش پژوهشی در کشور ایران و نیز موردکاوی تجربه‌هایی بود که در واقع، نوعی بهینه‌کاوی به‌شمار می‌رود. روایی، یافته‌های نظری و سناریوهای پیشنهادی با استفاده از فن‌گروه‌های کانونی به تأیید کارشناسان چیره دست دو حوزه شناختی سیاست عمومی و آموزش عالی رسید. بر پایه تحلیل وضعیت موجود سیاست‌پژوهی در کشور ایران، ادبیات نظری و زیست تجربه‌های جهانی دو الگو برای ایجاد و راه‌اندازی مؤسسه ملی سیاست‌پژوهی آموزش عالی ارائه و نقاط ضعف و قوت آنها نیز برشمرده شد. در این الگوها بیشتر بر فرایندهای همکنشی این نهاد از یک سو، با نهادهای تولید و ترویج دانش در دو عرصه داخلی و بین‌المللی و از سوی دیگر، با کاربران اصلی دانش پژوهشی به‌مثابه یکی از اصلی‌ترین کاربران تولیدات مرکز ملی سیاست‌پژوهی پافشاری شده است.

کلید واژگان: سیاست عمومی، سیاست پژوهی، آموزش عالی.

مقدمه

مطالعات اخیر در قلمرو تصمیم‌گیری، سیاستگذاری و قانونگذاری بیانگر نوعی واگرایی یا به‌عبارتی، کمبود یا حتی نبود همکنشی مؤثر میان تولید و توزیع‌کنندگان دانش اجتماعی است که در برگزیده

۱. استادیار گروه مطالعات مدیریت آموزش عالی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ایران: javadani99@gmail.com
دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۱/۵ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۹/۷

پژوهشگران، دانش‌پردازان یا سیاست‌پژوهان و تصمیم‌سازان از یک سو و تصمیم‌گیران، سیاستگذاران و مجریان سیاسی به‌مثابه کاربران بالقوه دانش تولید شده از سوی دیگر است (Birnbaum, 2000; Bogenschneider, Olson, Linney & Mills, 2000; Jefferys, Troy, Slawik & Light Foot, 2007).

این واگرایی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه بازنمایی عینی‌تر به خود می‌گیرد و پیامدهای گوناگونی را به همراه دارد که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- جدایی میان کنش و دانش در عرصه ملت - دولتها؛
 - ایجاد بدبینی در کاربران بالقوه دانش در خصوص تولیدکنندگان دانش اجتماعی و برعکس؛
 - بازتاب نیافتن دانش اجتماعی در تصمیم‌ها، برنامه‌ها، سیاستها، قوانین و در نتیجه، عرصه کنش؛
 - انحراف تصمیم‌ها، سیاستها، قوانین و کنشها از مسیر دانش اجتماعی بشری.
- بنابراین، ایجاد یا توسعه لایه‌ای میانی یا به عبارتی، پلی میان پژوهشهای تولیدشده در قلمرو سیاستها و برنامه‌های علمی یا آموزشی که بتواند به تولید «دانش پژوهشی» منجر شود، ضروری به نظر می‌رسد که این خود می‌تواند در برگیرنده سناریوهای برنامه‌ای، سیاستی و حتی اجرایی باشد، به‌گونه‌ای که بتوان آنها را در برنامه‌ریزی و سیاستگذاری به کار بست.

درحقیقت، این مطالعه در پی در انداختن طرحی بود که به ایجاد لایه نوینی در ساختار سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کشور به‌طور کل و در ساختار نظام آموزش عالی یا علمی کشور به‌طور خاص بینجامد. این لایه نوین که در ادبیات سیاست عمومی از آن به‌عنوان «سیاست‌پژوه»، «تصمیم‌ساز» و «دانش‌پژوه» یاد می‌شود، در واقع، حلقه واسطی متشکل از افراد یا به‌عبارت بهتر، نهادهایی است که می‌توانند میان پژوهش و کنش سیاسی پل ارتباطی برقرار کنند. در این پژوهش تلاش شده است تا بر مبنای یافته‌های پژوهشی نظری و عملی به پرسشهای زیر پاسخ داده شود:

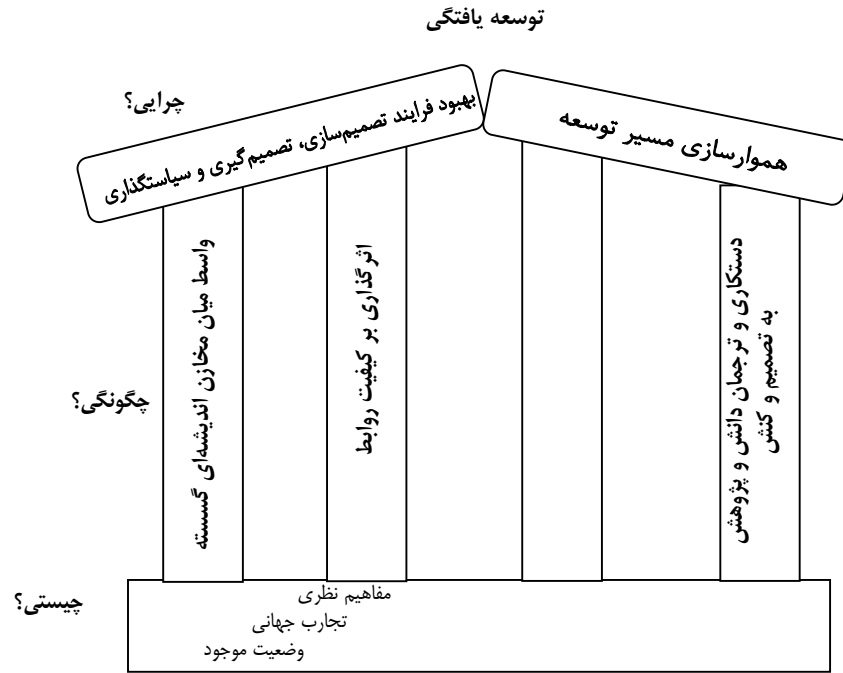
۱. وضعیت موجود به چه دلیل برآورد کننده انتظارات نیست؟
۲. الگوهایی که در وضعیت موجود برآورد کننده اهداف باشند کدام‌اند؟ (چند سناریو)
۳. وظایف در فرایندهای کاری در چنین نهادی از چه ویژگی‌هایی برخوردارند؟
۴. نقاط قوت و ضعف سناریوهای پیشنهادی چیست؟
۵. گذر از مرحله موجود به وضعیت پیشنهادی چگونه است؟

مبانی نظری و پیشینه

چارچوب مفهومی سیاست پژوهی: نقش دانش، به‌ویژه در عصر کنونی، که ناظر بر پیدایش «جامعه دانش» هستیم، بیش از پیش به مثابه موتور و نیروی پیش برنده جوامع به سوی توسعه یافتگی آشکار شده است. روشن است که دانش زمانی می‌تواند هموار کننده مسیر توسعه تلقی شود که یافته‌های پژوهشی، به مثابه دستاورد بشری، در ترسیم مسیر توسعه و آینده آن به کار بسته شوند. در عین حال، در

دورانی که سخن از انفجار اطلاعات است و دانش بشری به‌طور فزاینده‌ای گسترش می‌یابد، ترسیم و نهادینه کردن مسیر تبدیل دانش به کنش بایسته‌ای اساسی برای تمام اجتماعات بشری به‌شمار می‌رود. الگوهای قدیمی ارتباطی میان اندیشه‌پردازان و سیاستمداران و مجریان که در تنظیم سیاستهای علمی به‌کار گرفته می‌شد، ناکارآمد به نظر می‌رسند، چرا که دانش امروزه با پرسشها و تمایلات بسیار متفاوت، که الزاماً نیز همگرا و همگن نیستند، روبه‌روست و لازم است بدانها پاسخ گوید. افزون بر آن، افراد و نهادهای تولید اندیشه نیازمند برخورداری از ارتباطاتی چند سویه هستند تا بتوانند نه تنها پاسخگوی اجتماعات و بخشهایی باشند که در ارتباط مستقیم با دانش و پژوهش هستند، بلکه در عین حال، به‌منظور حفظ مشروعیت خود در جوامع لازم است به بخشهای متفاوت و به‌ویژه جامعه نیز پاسخگو باشند. مایور و آگوستو (Mayor & Agosto, 1995, p. 129) در توصیف وضعیت کنونی چنین می‌نگارند: «مرزهای سنتی بین تجربه علمی و سیاست علمی به هم ریخته است. اگر چه مسائل هنوز از نظر ماهیت علمی هستند، اما اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نیز هستند». از این روست که بسیاری از اندیشه‌پردازان کنونی با توجه به پیچیدگی مسائل، گوناگونی «نقش آفرینان» و مراحل توسعه در جوامع مختلف، سازکارهای موجود سیاستگذاری علمی و فناوری در بسیاری از کشورهای جهان را ناپسند تلقی می‌کنند. از جمله مایور و آگوستو (Mayor & Agosto, 1995, pp. 131-150) در این زمینه می‌نویسند که اگر به برنامه‌ریزی علم و فناوری به شکل تازه‌ای نگاه کنیم تا به آن رابطه علم و حکومت دست یابیم که بتواند پیچیدگیهای امروز را تعدیل کند، آنچه مورد نیاز است دور شدن از عمل تصمیم‌گراست [که به موجب آن، حکومت سیاستی را مقرر می‌کند که تقریباً به‌طور انحصاری بر نظر تخصصی جماعت علمی و فناوری استوار است، نظری که به‌صورت محرمانه فراهم شده است] و نزدیک شدن به رویکردی است که به موجب آن حکومت به نظرهای طرفداران مختلف، ارزشها و دیدگاههای گوناگون توجه می‌کند. در این الگو حکومت از طریق فرایند توافق و ترکیب سازی در باره سیاست تصمیم‌گیری خواهد کرد. این فرایند متضمن بحث آزاد و بدون قید و شرط بین کارشناسان و گروههای مختلف است که به مسئله سیاستی معین علاقه‌مند هستند. چنین رویکردی پایه‌های گسترده‌تری برای تصمیم‌گیری فراهم می‌کند و هم‌هنگام موجب بی‌پرده سخن گفتن در سیاستگذاری علم و فناوری می‌شود.

در نگاره ۱ چارچوب مفهومی «سیاست‌پژوهی که بر بنیان مفاهیم نظری، تجارب جهانی و وضعیت موجود نظام تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در نظام آموزش عالی است، به تصویر کشیده شده است. همان‌گونه که در نگاره ۱ بازتاب یافته است، دورنمای دانش اجتماعی برآمده از مفاهیم نظری، زیست‌آزموده‌های ملی و نظری و وضعیت موجود، چيستایی یا دورنمایه سیاست‌پژوهی را ترسیم می‌کند. لایه میانی چگونگی ساختاری و عملکردی سیاست‌پژوهی را نشان می‌دهد و چنانچه این کنش به درستی انجام شود، به هموارسازی مسیر توسعه، بهیود فرایند تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و سیاستگذاری می‌انجامد که پیامد آن توسعه‌یافتگی خواهد بود.



نگاره ۱- چارچوب مفهومی سیاست پژوهی

ویژگیها، فرایندها و کارویژه‌های نهاد سیاست پژوه: به‌منظور درک بهینه ویژگیها، فرایندها و وظایف یک نهاد سیاست پژوه پاسخگویی به پنج پرسش زیر گریزناپذیر به نظر می‌رسد:

۱. چه چیزی برای تصمیم‌گیران باید انتقال یابد؟ پیام
 ۲. دانش پژوهشی برای چه کسی باید ارسال شود؟ جامعه هدف
 ۳. پیام باید به دست چه کسی انتقال یابد؟ پیام دهنده
 ۴. چگونه پیام انتقال یابد؟ فرایند انتقال
 ۵. پیام باید با چه تأثیری انتقال یابد؟ ارزیابی
۱. پیام: به‌طور خلاصه پیامهای تولید شده در نهادهای سیاست‌پژوه لازم است از ویژگیهای زیر برخوردار باشد:
- پیامها قابل اجرا و برآمده از پیکره دانش باشد؛

- دانشی که ایده می‌دهد و کمتر به مسائل تخصصی و فنی می‌پردازد؛
- تدوین سناریوهای گوناگون برای اجرای یک تصمیم.

۲. جامعه هدف: اندیشه‌پردازان نهادهای سیاست‌پژوه لازم است از شناخت کافی درباره جامعه هدف و زیست‌بوم تصمیم‌گیری آنها برخوردار باشند. تولیدکنندگان دانش پژوهشی یا به عبارتی، تصمیم‌سازان در صورت آشنایی با تفاوت‌های اجتماع پژوهشگران، سیاستگذاران و مجریان سیاسی قادر خواهند بود تولیدات مناسب‌تری را ارائه کنند.

جدول ۱ - عوامل تأثیرگذار بر تفاوت رویکردی در میان پژوهشگران و سیاستگذاران

عنوان	اجتماع پژوهشگران	اجتماع سیاستگذاران
عرصه کنش	عرصه آکادمیک	عرصه عمومی
ارزیابان	هم‌اندیشان آکادمیک	مردم
بازده مورد انتظار	بلندمدت	کوتاه مدت
تأکید بر تولیدات	کتبی	شفاهی

همان‌گونه که در جدول ۱ دیده می‌شود، افزون بر نیازهای تأثیرگذار بر تفاوت‌های رویکردی، نیازهای متفاوت اطلاعاتی، فرهنگ کاری و گونه‌شناسی نوشتاری از جمله مسائلی است که تصمیم‌سازان باید به آن توجه کامل داشته باشند. در جدول ۲ چکیده این تفاوتها بازتاب یافته است.

۳. پیام دهنده: اعتبار علمی و اجتماعی پیام دهنده - فرد، گروه یا سازمان - در موفقیت انتقال دانش پژوهشی نقش بسزایی دارد. روشن است که ایجاد اعتبار برای پیام دهنده زمانبر و نیازمند مهارت است. از این رو، لازم است تصمیم‌سازان از ویژگیهایی که نیازمند چنین کنشی است، برخوردار باشند. چکیده این ویژگیها را می‌توان به صورت زیر برشمرد:

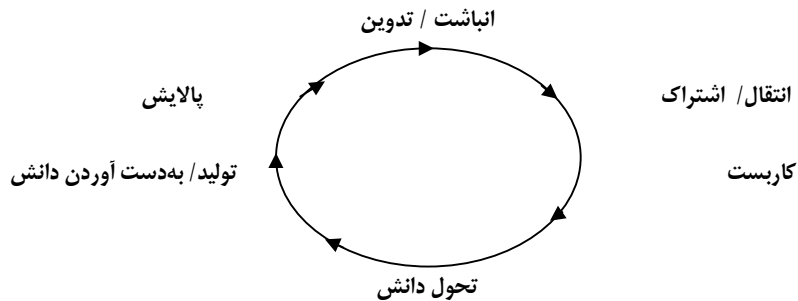
- برخورداری از مهارت و توانایی در ترجمان گزارشهای فنی و پژوهشی به متن قابل درک از سوی سیاستگذاران و تصمیم‌گیران؛
- قابلیت دسترسی آسان به آنها؛ کارویژه سیاست پژوهان راحت سازی تماس برای رایزنی با آنها را گریز ناپذیر می‌کند؛
- به‌دلیل مطالعه و تحلیل گزارشهای پژوهشی، آنها به توانایی در انسجام‌بخشی و تلفیق یافته‌های پژوهشی نیازمندند، به‌گونه‌ای که با چیره دستی از پس تبدیل آنها به گزارشهای کوتاه، تفسیرهای سیاست محور و مقالات کوتاه سیاستی برآیند؛
- برخورداری از تواناییهای لازم برای ایراد سخنرانی و توجیه سیاستها؛

- برخورد پویا برای ایجاد و نگهداری ارتباط میان شبکه‌های سیاسی^۲ و دیگر اجتماعات؛
- برخوردار از پیشینه همکاری در قلمرو پژوهش و سیاست‌پردازی و توانایی کار در هر دو قلمرو؛
- برخورداری تصمیم‌سازان از توانایی و مهارت بالا برای دستکاری و ترجمان اسناد نوشتاری به تفسیرهای شفاهی.

ویژگیهای دریافت کننده به مثابه متقاضیان دانش پژوهشی: از چشم‌انداز مدیریت انتشار دانش، ویژگیهایی که می‌توانند بر چگونگی دریافت و استفاده از دانش پژوهشی اثرگذار باشند، یکی از دشوارترین مسائل در قلمرو سیاست پژوهی به شمار می‌روند (Van Horn & Hetick, 1987; Massoni, 1995, cited by Kirst, 2000). این ویژگیها را کریست (Kirst, 2000, P.386) به قرار زیر بر شمرده است:

- داشتن انگیزه برای کاوش و بهره‌گیری از اطلاعات و دانش پژوهشی؛
- مقاومت ورزیدن در برابر منابع بیرونی و پیشنهادهای نوآورانه؛
- داشتن احساس مالکیت یا تعهد در استفاده از اطلاعات یا دانش پژوهشی خاص؛
- وجود سیاستهای ناسازگار و ناهمسو؛
- وجود تقاضاهای رقیب یا ناهمسو در منابع نهادی.

۴. فرایند انتقال: فرایند انتقال زمانی اثربخش‌تر خواهد بود که به صورت هم‌کنشانه میان تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران طراحی شود. هم‌هنگام لازم است مراقب بود که این هم‌کنشی به سازش‌کاری و تباری میان آنها نینجامد. برای تدوین فرایند انتقال یکی از بهترین گزینه‌ها بهره‌گیری از الگوی چرخه حیات دانش است.



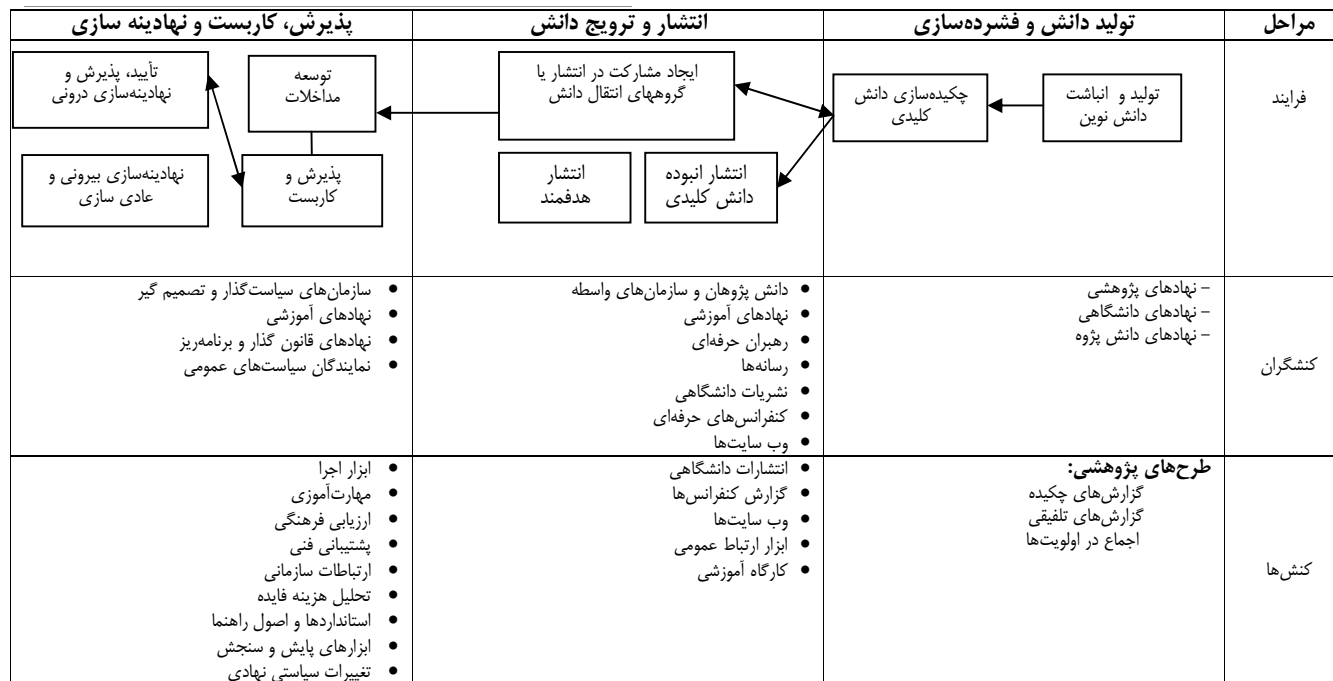
نگاره ۲- فرایند انتقال دانش پژوهشی بر پایه چرخه حیات دانش

جدول ۲- تفاوت‌های میان نیازهای اطلاعاتی، فرهنگ کاری و نوشتاری مورد نظر پژوهشگران، سیاستگذاران و مجریان سیاسی

ویژگیها	پژوهشگران	سیاستگذاران	مجریان سیاسی
نیازهای اطلاعاتی: گونه‌شناسی اطلاعات سطوح جزئیات منبع داده‌ها	تمرکز بر اطلاعات ناشناخته، پرسشهای جزئی را با عناوین ریزتر ترجیح می‌دهند. جزئیات بیشتر با عنوانهای ریز. تمرکز بر جامعه نمونه‌ها که به تولید دانشی می‌انجامد که قابلیت تعمیم دارد.	تمرکز بر اطلاعات شناخته شده؛ پاسخ را ترجیح می‌دهند. نگرشهای جامع که بر عوامل سیاسی انعطاف پذیر تأکید دارند و اثر گذارند. اغلب بر مقایسه چگونگی عملکرد سیاستگذاران حوزه انتخاباتی خود در سطح شهر، کشور، ایالت یا منطقه تأکید می‌ورزند.	تمرکز بر نیازهای دانستن برای اجرای سیاستها؛ ترجیح می‌دهند مورد پرسش قرار گیرند تا پاسخ دهند. علاقه‌مند به جزئیات، اما در خصوص فرایندهای اجرایی و عملیات اجرایی بهینه برای اجرای سازی سیاستها و برنامه‌ها. مسائل بومی و اینکه چگونه می‌توان الگوهای برنامه و بهترین عملکرد را در شرایط گوناگون داشت.
فرهنگ کاری: رویکرد و زمان‌بندی معیار برای سیاستگذاری نگرش در باره ابهام و پیچیدگی	محتاط، شکاک، تلاشگر، اندیشه‌ورز، پیشرفت در پژوهش ممکن است سالها برای دست یافتن به طول بینجامد. احتمالات آماری، الگوها و طرحهای پژوهشی عمیق، انتشار در نشریات علمی. شوق زده نسبت به ابهامات و پیچیدگیها..	واکنشی، افزایش شانس انتخاب دوباره، پاسخگویی سریع برای پیشی گرفتن از دیگران، محیط سیال، پیشرفت می‌تواند طی چند هفته اتفاق افتد. آنچه از طریق گفت‌وگو و توافق امکان‌پذیر باشد. سخن‌پردازی قانع کننده همراه با یک حکایت بامزه می‌تواند مؤثر باشد. پرداختن به پیچیدگیها را بی‌نتیجه می‌پندارد، چرا که در برابر مسائل باید قاطعانه موضع گرفت.	کنش محور و عملگرا؛ اغلب به‌رغم اطلاعات ناقص و منابع ناکافی خو را ملزم به پاسخ دادن می‌داند. آمیزه‌ای از دانش قابل قبول بر مبنای داورى بالینی ملاحظات و تجربه‌های منابع مشهور از پیچیدگی انرژی می‌گیرند، اما باید برای تصمیم‌گیری به ساده‌سازی آن بپردازند.
اولویتهای نوشتاری: تأکیدات سازمان نوشتار	تأکید بر نمونه‌ها، روشها و تحلیل برای بهبود کیفیت پژوهشهای آینده. مبتنی بر گذر منطقی در رسیدن به نتایج پایانی. مباحث ژرف با ادبیات رشته‌ای خاص، نمایه‌های فنی و تصاویر.	کم‌توجهی به نمونه‌ها، روشها و تحلیل‌ها، چرا که به اندیشه پردازان می‌توان اعتماد کرد که فقط به مرور مطالعات با کیفیت بالا می‌پردازند. قرار دادن مهم‌ترین نتایج مربوط به سیاست به‌صورت چکیده در ابتدای گزارشهایی که خواندن آن راحت و با زبان گویا، جملات کوتاه، پاراگراف بندی شده، نمایه‌های ساده و همراه با تصاویر باشد.	تأکید بر نمونه‌ها برای ارزیابی مشابهتها با زمینه‌های بومی برای همانند سازی و انطباق. قرار دادن مهم‌ترین نتایج عملی در آغاز نوشتار گزارشهای نه چندان طولانی با ادبیات نسبتاً فنی و همراه با تصویر که نشان‌دهنده ارتباط با پژوهشگران و بیانگر پاسخگویی به سیاستگذاران باشد.

Source: Bogenschneider et al., 2000, P. 329

این الگو که از تولید و به‌دست آوردن دانش آغاز می‌شود، در نهایت می‌تواند به تحول دانشی بینجامد و چرخه دوباره به حرکت درآید. در نگاره ۳ چارچوب نظری انتقال دانش در سه سطح فرایندها، کنشگران و کنشها به تصویر کشیده شده است.



Source: Nieva et al., 2003, P. 444

نگاره ۳- چارچوب نظری انتقال دانش پژوهشی

روش پژوهش

در این جستار تحلیلی-توصیفی بر مبنای نیاز مطالعات میان‌رشته‌ای از روش‌های گوناگونی استفاده شده است؛ به سخنی روشن‌تر، برای مفهوم‌سازی نکات کلیدی الگوی مفهومی سیاست‌پژوهی که قلمرو نوینی به‌ویژه در آموزش عالی ایران به‌شمار می‌آید و همچنین موردکاوی نهادهای ایرانی از روش‌شناسی اسنادی و کتابخانه‌ای با رویکرد بازنگری نظام‌مند، تحلیلی و نقادانه سود گرفته شده است، به‌گونه‌ای که امکان جمع‌بندی آنها در یک نگاره یا جدول پدید آید.

برای مطالعات خارجی و جهانی از موردکاوی هدفمند بهره گرفته شده است. چرایی کاربست این روش‌شناختی در نوپایی و کرانه‌دار بودن موضوع و موارد مورد مطالعه نهفته است. اگر چه روشها و نهادهای سیاست‌پژوهی در قلمرو آموزش و آموزش‌عالی در کشورهای گوناگون رصد شدند، اما با استفاده از فن گلوله برفی فقط مواردی چند در این نوشتار بازتاب یافتند؛ یعنی مواردی که از ویژگیهای مفهومی و حتی ساختاری فراگیرتری برخوردار بودند. گونه‌شناسی این نهادها بر مبنای تحلیل محتوای اسناد (اساسنامه‌ها، بیانیه‌های مأموریت، برنامه‌های راهبردی و حتی عملکرد آنها) انجام شده است که چکیده آن در جدول ۶ بازتاب یافته است.

مفهوم‌سازیهای گوناگونی در خصوص سناریونگاری انجام شده که با توجه به پیچیدگیهای آینده‌پژوهی این مفهوم همچنان در حال تحول است. برآیند برخی از این مفهوم‌سازیها را که در این نگاشته از آن استفاده شده است، می‌توان این چنین چکیده ساخت. سناریونگاری ابزاری برای شبیه‌سازی و به تصویر کشیدن زمینه‌های نو است که با استفاده از گمانه‌زنی عالمانه و شبیه‌سازی فراگیر شرایطی فرضی را به نگارش می‌کشد و بایسته‌های شکل‌گیری رخداد موفق را گمانه‌زنی می‌کند؛ به سخنی دیگر، سناریو وضعیتی توصیفی از بدیل‌های تصویرپذیر است. بر این مبنای، در خصوص نهاد سیاست‌پژوه، که کارکرد آن نیازمند دانش پژوهشی گسترده و متنوع است، یک سناریو بیشتر به نظر نمی‌رسد و آن تولید دانش پژوهشی نامتمرکز است. اما در باره تبدیل دو سناریو پیش‌رو بود: یکی استفاده از نهادهای موجود و غیرمستقل همراه با تغییراتی در کارویژه‌های آن و دیگری بنا نهادن نهادی نوین و مستقل که در تصمیم‌سازیهای مربوط به سیاست عمومی کارسازتر به نظر می‌رسد. چرا که در پناه استقلال نهادی، فکری و ... می‌تواند از امکان دگراندیشی و ارتباطات گسترده‌تر ملی و جهانی برخوردار باشد.

افزون بر آن، در سناریو نویسی مشخص کردن بازیگران، مشخص کردن نقطه آغاز و مشخص کردن ذینفعان تعیین‌کننده کرانه‌های سناریونگاری است که در نگاره ۴ و ۵ دیده می‌شود. بازکاوی نقاط ضعف و قوت نیز نمایی روشن‌تر از سناریوها را بازتاب می‌دهند.

برای تدوین سناریوهای الگوهای پیشنهادی افزون بر در نظر داشتن زیست بوم سیاستگذاری آموزش عالی ایران، که فرآیندی متمرکز، از بالا به پایین و آشوبناک را دنبال می‌کند، و همچنین زیست‌آموده‌های نسبتاً موفق‌تر جهانی، از مدلسازی پویایی سیستم که روشی برای مطالعه، بازکاوی،

شبیه‌سازی و بهبود نظام‌های پویاست، استفاده شده است (Barlas & Yasarcan, 2006). این مدل که بر رویکرد سیستمی و دیدگاه بازخوردی استوار است، با استفاده از الگوی ساختار شبکه‌ای به ترسیم الگوها انجامیده است.

روایی یافته‌های نظری و الگوهای پیشنهادی، افزون بر برخورداری از اندیشه‌های برخی اندیشه‌پردازان^۳، با استفاده از گروه‌های کانونی در دو نشست هم‌اندیشی تخصصی ارزیابی پذیرفته شد.

وضعیت کنونی سیاست‌پژوهی در نظام آموزش عالی ایران: با مروری بر وضعیت نهادهای اندیشه‌پرداز ایرانی نظام آموزش عالی، به روشنی می‌توان دریافت که «نهاد سیاست پژوه» به مفهومی که کارویژه تولید دانش پژوهشی مورد نیاز آن را تهیه کند، وجود ندارد. گرچه، برخی از نهادهای موجود به دلیل احساس نیاز به چنین دانشی کوشیده‌اند تا این کارویژه را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در کارویژه‌ها یا عملکرد خود بگنجانند. در این میان، نهادهای پژوهشی بسان مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، مرکز تحقیقات علمی کشور و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی از سایر نهادها پیشتازتر به نظر می‌رسند.

برای ترسیم وضعیت موجود پژوهشی و به صورت کمرنگ‌تر سیاست پژوهی در نظام آموزش عالی ایران، نخست مروری گذرا بر وضعیت این نهادها از نظر منابع انسانی و منابع مالی خواهیم داشت و سپس، جهت‌گیریهای کارویژه‌ای و عملکردی آنها در قلمرو سیاست‌پژوهی بررسی می‌شود.

وضعیت نیروی انسانی نهادهای پژوهشی بخش عمومی در قلمرو آموزش عالی: مجموعه نیروی انسانی این نهادهای پژوهشی ۳۰۵ نفر است. فقط ۶۶ نفر آنها اعضای علمی یا پژوهشگران هستند که در مجموع ۲۱/۸ درصد از کارکنان این نهادها را تشکیل می‌دهند.

جدول ۳- وضعیت نیروی انسانی نهادهای پژوهشی بخش عمومی و فعال در قلمرو آموزش عالی،

تحقیقات و فناوری

جمع	پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران	مرکز مطالعات و همکاریهای بین‌المللی	پژوهشکده مطالعات و تحقیقات فناوری	پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی	مرکز تحقیقات علمی کشور	مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی	نهاد پژوهشی ترکیب کارکنان
۶۶	۹	۱	۷	۵	۲۱	۲۳	هیئت علمی ^۴
۱۴۲	۶۱	۷	۶	۴۴	۶	۱۸	کارکنان پژوهشی
۹۴	۲۰	۳	۲	۲۹	۲۵	۱۵	کارکنان پشتیبانی
۳۰۵	۹۰	۱۱	۱۵	۷۸	۵۲	۵۶	جمع

۳. از استادان محترم جناب آقای دکتر سید مهدی الوانی و دکتر مصطفی ایمانی، که در همکاری هیچ دریغ نورزیدند، سپاسگزار می‌شود.
۴. درخور یادآوری است که ترکیب کیفی اعضای علمی این نهادها به ترتیب عبارت‌اند از: استاد ۱ نفر، دانشیار ۳ نفر، استادیار ۲۸ نفر و مربی ۲۷ نفر.

منابع مالی نهادهای پژوهشی در قلمرو علوم، تحقیقات و فناوری: منابع مالی اختصاص یافته به این نهادها که لازم است به پژوهش و گاه حتی سیاست‌پژوهی در یکی از حساس‌ترین و در عین حال، مهم‌ترین نهادهای عمومی کشور؛ یعنی آموزش عالی بپردازند، در جدول ۴ بازتاب یافته است. بر پایه آخرین داده‌های رسمی در دسترس، تغییرات منابع مالی در برخی نهادهای پژوهشی در جدول ۴ بازتاب یافته است.^۵ همان‌گونه که جمع منابع مالی سال ۱۳۸۵ در مقایسه با سال اعتبارات ۱۳۹۰ نشان می‌دهد، منابع این مؤسسات طی پنج سال گذشته به بیش از دو برابر افزایش یافته است. اما با نگاهی ژرف‌تر می‌توان دریافت که بخش گسترده‌ای از آن جبران‌کننده افزایش حقوق کارکنان این نهادها و ناشی از تورم سالانه بوده است؛ به سخنی دیگر، شاید بتوان گفت که به قیمت ثابت، منابع مالی و انسانی این نهادها تغییرات اساسی در بر نداشته‌اند و همچنان روال گذشته را دنبال می‌کنند.

جدول ۴- منابع مالی نهادهای پژوهشی سال ۱۳۸۵-۱۳۹۰ (Mehrabi, 2008)

(به میلیون ریال)

نهاد پژوهشی	۱۳۸۵			۱۳۹۰		
	بودجه مصوب	درآمد اختصاصی	جمع	اعتبارات هزینه‌ای	اعتبارات تملک و دارایی	جمع
مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی	۱۰,۵۴۷	۱۲	۱۰,۵۵۹	۲۴,۳۰۰	۴۰۶	۲۴,۷۰۶
مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور	۶,۲۹۶	۶۳۰	۶,۹۲۶	۱۷,۴۶۱	۶,۲۵۸	۲۳,۷۲۴
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات	۱۸,۰۸۷	۱,۴۹۶	۱۹,۵۸۳	۳۴,۱۰۴	۳,۲۸۳	۳۷,۳۸۷

* نام پیشین این نهاد پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران بوده است.

در یک جمع‌بندی فقط کمی از چنین وضعیتی، به‌ویژه با توجه به روند رو به گسترش نظام آموزش عالی، شمار فزاینده نهادها و دانشجویان ایرانی از یک سو و مقایسه شمار پژوهشگران و سیاست‌پردازان در این نظام با کشورهای پیشرو، از نظر منابع انسانی و مالی، به نابسندگی چنین وضعیتی می‌توان پی برد، چرا که بازکاوی اساسنامه‌ها و برنامه‌های نهادهای ایرانی مورد کاوی شده در این جستار بیانگر آن است که وظایف دو مراکز «اطلاعات و مدارک علمی ایران» و «مطالعات و همکاری‌های علمی و بین‌المللی» نه تنها با فعالیت «سیاست‌پژوهی» ارتباط مستقیمی ندارد، بلکه حتی کمتر به عرصه پژوهش در حوزه خود پرداخته‌اند. اما چهار نهاد دیگر پژوهشی هر یک به‌گونه‌ای خود را در امر «سیاست‌پژوهی» سهیم می‌دانند. در عین حال، در خور یادآوری است که بجز پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، که «تدوین سیاست‌های راهبردی وزارت علوم، تحقیقت و فناوری را در حوزه مسائل

۵. داده‌های رسمی عالی روزآمد مربوط به سه نهاد پژوهشی دیگر در دسترس نبود. داده‌های رسمی روزآمد مربوط به نیروی انسانی این نهادها نیز در دسترس نبود، اگر چه با تحولات منابع مالی و مشاهدات می‌توان گفت تغییرات جدی چندانی نداشته‌اند.

فرهنگی و اجتماعی» عهده‌دار شده است، سایر نهادها فقط حوزه مطالعاتی این فعالیت را برعهده دارند (Javdani, 2010).

زیست‌آموده‌های جهانی: انتخاب الگو در سیاست پژوهی بیشتر متأثر از شیوه حکمرانی در هر کشور است. در کشورهای اسکاندیناوی و ژاپن و برخی از کشورهای اروپایی که از شیوه حکمرانی متمرکزتری استفاده می‌کنند و دولت نقش مؤثرتری را ایفا می‌کند، الگویی که در سیاست پژوهی و انتقال دانش به کار برده می‌شود، الگویی متمرکز و حداکثر نیمه متمرکز است. اما در کشورهای نظیر ایالات متحده، که ایالتها هر کدام نقش سیاست‌گذاری ایالتی را نیز بر عهده دارند، الگوی نامتمرکز به کار بسته می‌شود.

مطالعات بین‌المللی که در قلمرو «سیاست پژوهی» در کشورهای مختلف انجام شده است، انتخاب الگوی مناسب سیاست پژوهی را به عوامل زیر وابسته می‌دانند:

• درجه گشادگی نظام سیاسی به اطلاعات بیرونی و چرخش آزاد اطلاعات؛

• تخصصهای عملکردی واحدهای دولتی؛

• تخصصهای عملکردی واحدهای غیر دولتی؛

• ویژگیهای صحنه سیاسی (Husen & Kogan, 1984, cited by Weiss, 1999).

دیرینه کوتاه نهادهای سیاست پژوهی در جهان گستره مورد کاوی در این زمینه را کرانه دار ساخته است. افزون بر آن، کمبود دسترسی به نهادهایی که فقط به سیاست‌پژوهی در قلمرو آموزش و آموزش عالی در کشورهای گوناگون بپردازند، این کرانه را در این جستار بیشتر به سوی ایالات متحده آمریکا کشانده است، چرا که به نظر می‌رسد آنها از گوناگونی الگویی و ساختاری بیشتری برخوردارند.

در جدول ۶ چکیده زیست تجربه‌های نهادهای سیاست پژوهی در ایالات متحده آمریکا، به مثابه یکی از پردیرینه‌ترین و برخوردار از گوناگونی نهادی، ترسیم شده است. یادآوری می‌شود که در طراحی سناریوهای پیشنهادی این زیست تجربه‌ها بازتاب گسترده‌ای داشته‌اند، اگرچه ویژگیهای زیست‌بومی نظام آموزش عالی ایران نیز نادیده انگاشته نشده است.

جدول ۵- زیست‌آموده‌های نهادهای سیاست‌پژوهی در ایالات متحده آمریکا (Javdani, 2010)

گونه شناسی نهادی	ویژگیهای نهاد سیاست‌پژوه	مأموریتها / کارویژهها
تخصصیوم سیاست‌پژوهی در آموزش صنفی	این کنسرسیوم که در سال ۱۹۸۵ بنیان نهاده شده است، موجب همکاری پژوهشگران هفت ایالت شده است که در برگزیده نهادهای علمی زیر است	با پژوهش در قلمروهای زیر به کاهش شکافهای نظام آموزشی ایالت‌های یادشده بپردازد؛ پاسخگویی، مدیریت آموزشی، ارتقای دانش و ظرفیتهای، بهبود بخشیدن به آموزش و یادگیری، منابع مالی آموزش و تخصیص منابع، کیفیت آموزشگران و نظام پاداش‌دهی به آنها.
اتحادیه سیاستهای آموزشی	حدود ۴۰ سازمان یا مرکز سیاست‌پژوهی دانشگاهی هم اکنون عضو این شبکه سیاست-پژوهی هستند. در واقع، مراکزی که عضو این	ایجاد هماهنگی در سیاستهای آموزشی در عرصه ایالتی و ملی

مأموریتها / کارویژهها	ویژگیهای نهاد سیاست پژوه	گونه شناسی نهادی	
	اتحادیه می‌شوند، مراکز سیاست‌پژوهی هستند که در دانشگاههای معتبر ایالتی‌های گوناگون ایالات متحده آمریکا به سیاست‌پژوهی در قلمرو آموزش مشغول‌اند.		
انجام دادن پژوهش و تولید تحلیلهای سیاستی در حمایت از اهداف آموزشی، دسترسی برابر و پیشرفتهای تحصیلی به‌ویژه در سطح مدارس عمومی، کالجهای فنی و عمومی و دوره‌های چهار ساله (کارشناسی) و مدارس عالی و دانشگاهها	انجام دادن تحلیلهای موردی و تاریخی در زمینه مسائل آموزش - محور و خدمات به تولید دانش لازم برای کنشگران آموزشی و سیاستگذاران در ایالت آلاباما و فراسوی آن	مرکز سیاست آموزشی دانشگاه آلاباما	نهادهای دانش پژوه دانشگاهی
ترویج مباحث آگاهانه و درک بهتر مسائل آموزشی در گستره وسیع‌تری از مخاطبان از جمله سیاستگذاران و تحلیلگران، رهبران تجاری، آموزشگران حرفه‌ای و نهادهای آموزشی و اجتماعات مربوط به آنها در گوشه و کنار کشور می‌شود	ترویج مباحث آگاهانه و درک بهتر مسائل آموزشی در گستره وسیع‌تری از مخاطبان از جمله سیاستگذاران و تحلیلگران، رهبران تجاری، آموزشگران حرفه‌ای و نهادهای آموزشی و اجتماعات مربوط به آنها در گوشه و کنار کشور می‌شود	مرکز سیاست آموزشی دانشگاه میشیگان	
مطالعه و ارزیابی برنامه‌ها و عنوانهای مربوط به آموزش، اصلاحات آموزشی، دستیابی و بروندهای آموزشی و به اشتراک نهادن یافته‌های پژوهشی و آزمودن راه حل‌های سیاستی است.	استفاده از ظرفیتهای پژوهشی در فرایند سیاستگذاری آموزشی در ایالت ماساچوست و دیگر ایالتی‌های نیوانگلند و فراسوی آن است	مرکز سیاست آموزشی دانشگاه ماساچوست	
نزدیکی و همکاری با کنگره ایالت، ژرفا بخشیدن به تخصص و کارشناسی در آموزش و سیاست پژوهی، پایبندی به عدالت در خصوص تمام دانش‌آموزان و دانشجویان کالیفرنیا، تلاش برای جلب و جذب منابع اندیشه‌ای تمام دانشگاههای کالیفرنیا و همکاری صمیمانه با اندیشه‌پردازان در حوزه سیاست پژوهی	مرکزی غیر انتفاعی است که در مدرسه آموزش یوسی دیویس ^۶ کالیفرنیا به فعالیت مشغول است.	مرکز سیاستهای کاربردی آموزشی کپاد	
هدف این مؤسسه تسهیل در انتشار اطلاعات و ترغیب مباحث مربوط به مسائل سیاستی تأثیرگذار بر آموزش عمومی و آموزش عالی در ویرجینیا است.	این مؤسسه سیاست‌پژوهی زیر نظر رشته آموزش عالی گروه مطالعات سیاست و رهبری آموزشی دانشکده آموزش و منابع انسانی دانشگاه ویرجینیا تک به فعالیت مشغول است	مؤسسه سیاست آموزشی ویرجینیا تک	
هدف از تشکیل این کارگاه تأمین اطلاعات عینی و مبتنی بر واقعیتها برای نظام قانونگذاری ایالت بود. فعالیت‌های پژوهشی دانشجویان در این کارگاه به‌عنوان بخشی از کلاسهای آنها به‌شمار می‌آید که زیر نظر استادان انجام می‌شود	کارگاه پژوهشی قانونگذاری ورمونت از گروهی از دانشجویان در سال ۱۹۹۸ تشکیل شده است که زیر نظر استادان دانشگاه و با استفاده از منابع دانشگاه ورمونت برای پشتیبانی اطلاعاتی و هدایت پژوهشها برای دستگاههای قانونگذاری ایالت ورمونت فعالیت می‌کند	کارگاه پژوهشی قانونگذاری دانشگاه ورمونت	
این مرکز خود را نماینده مردم با اندیشه‌های گوناگون در خصوص آموزش معرفی می‌کند	این مرکز در سال ۱۹۹۵ در واشنگتن دی. سی. بنیان نهاده شده است و خود را یگانه رابط میان	مرکز سیاست آموزشی	نهادهای حرفه‌ای

6. Community and Technical Colleges

7. UC Davis

گونه شناسی نهادی	ویژگیهای نهاد سیاست‌پژوه	مأموریتها / کارویژهها
غیردانشگاهی	آموزشگران و مردم در زمینه جدی‌ترین مسائل آموزش توصیف می‌کند که می‌تواند مسیر را برای بهبود کیفیت آموزشی از طریق همکاری با ایالت‌ها، نهادهای آموزشی و دیگران فراهم کند	تا بتواند به پیشبرد مباحث خردورزانه در قلمرو آموزش یاری رساند
مرکز بهبود آموزش مستمر	این مرکز در سال ۲۰۰۶ بنیان نهاده شده است و مانند دیگر مراکزی که به ایجاد ارتباط میان اندیشه‌پردازان و سیاستگذاران می‌پردازند و به-منظور برخورداری هر چه بیشتر از آزادی علمی و استقلال دانشگاهی، منابع خود را از نهادهای عمومی تأمین می‌کند	رهبری گسترش پژوهش و کوشش برای بهبود آموزش مستمر و عملکرد آموزشی و ایجاد ارتباط و هماهنگی میان مجریان، سیاستگذاران و پژوهشگران می‌پردازد. هدف اصلی این مرکز تشویق، هدایت، مشارکت و بهبود پژوهشی و توسعه، سیاست و اجرا در قلمرو آموزش است
مؤسسه آموزش و سیاست اجتماعی	این مؤسسه در سال ۱۹۹۵ به‌مثابه همکار مدرسه فرهنگ، آموزش و توسعه انسانی بنیان نهاده شد و به اجرای پژوهشهای غیر جانبدارانه در خصوص آموزش در ایالات متحده و مسائل مربوط به سیاستهای اجتماعی می‌پردازد	آگاه سازی نهادهای آموزشی و سیاستگذاران را در باره اثربخشی برنامه‌های آموزشی، پیامدهای اصلاحات در مدارس و ارتباطات میان پیشرفت تحصیلی، منابع مالی نهادهای آموزشی و عوامل اجتماعی-اقتصادی و مردم شناختی نظیر فقر، قوم‌گرایی و وضعیت مهاجرت را دنبال می‌کند

یافته‌ها

با چشمپوشی از ابهام بزرگی که در حوزه کارویژه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در عرصه کنش وجود دارد و نیازمند روشن شدن است و دست آخر اینکه این وزارتخانه سیاستگذاری در عرصه علوم، تحقیقات و فناوری در عرصه ملی یا فقط در عرصه آکادمیک [دانشگاهی] را بر دوش دارد (Javdani, 2007, p. 2)^۸، در ارزیابی نهایی می‌توان به پرسش نخست چنین پاسخ داد:

الف. به‌دلیل کمبود نیروی انسانی و مالی^۹ نهادهای پژوهشی مورد مطالعه، حتی اگر این نهادها از اثربخشی و کارایی بالایی نیز برخوردار باشند، دور از انتظار خواهد بود که بتوانند قلمرو پژوهش و سیاست پژوهی در علوم، تحقیقات و فناوری یا آموزش عالی را به‌طور کامل پوشش دهند.

ب. با توجه به ویژگیهای ساختاری، نظام ارزیابی و پاداش‌دهی، ویژگیهای مورد نیاز نیروی انسانی و کارراه‌های متفاوت آنها با پژوهشگران نمی‌توان انتظار داشت که این نهادها بتوانند دو کارویژه کاملاً

۸. یادآوری می‌شود نخستین نکته‌ای که در اصول راهنما و فرایند طراحی و تدوین برنامه توسعه بخش آموزش عالی علوم، تحقیقات و فناوری نگاشته شده است، وجود ابهام میان وظایف و عملکرد و همچنین عرصه کنش وزارت یادشده است. برای این پایه، دو سناریو برای برنامه پیشنهاد شده است.

۹. موردکاویهای انجام شده در این جستار حکایت از آن دارد که در بسیاری از کشورهای پیشرو و حتی در حال توسعه، گاه شمار نهادهای پژوهشی بخش عمومی و خصوصی فعال در قلمرو آموزش عالی به مراتب بیش از شمار پژوهشگران نهادهای ایرانی مورد مطالعه است. برای مثال، در ایالات متحده در برنامه پنجساله ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲، سالانه بیش از ۱۰ میلیارد دلار فقط برای پژوهش در زمینه جهانی شدن آموزش عالی در این کشور هزینه برآورد شده است (US Department of Education, 2008).

متفاوت را همزمان به پیش ببرند. چنین انتظاری می‌تواند به کاهش اثربخش و کارایی آنها در هر دو قلمرو بینجامد.

پ. هم‌هنگام، تبدیل نهادهای مورد بررسی به نهادهای سیاست پژوه نیز به هیچ رو پیشنهاد نمی‌شود، چرا که نهاد سیاست پژوه زمانی می‌تواند کارویژه خود را به‌خوبی به انجام برساند که از سوی نهادهای پژوهشی پشتیبانی شود. در واقع، درونداد اصلی نهادهای سیاست پژوه بروندادهای نهادهای پژوهشی است، به‌ویژه نهادهای پژوهشی حرفه‌ای و تخصصی که کارویژه آنها پژوهش در قلمرو آموزش عالی است. اگر چه تولیدات علمی دانشگاهها را نیز پوشش می‌دهد.

ت. چنانچه موردکاوپهای زمینه‌ای این جستار به مثابه رهیافتی در ساماندهی به وضعیت پژوهش و سیاست‌پژوهی در قلمرو آموزش عالی مورد پذیرش واقع شود، شمار نهادهای پژوهشی، منابع مالی و انسانی موجود حتی نمی‌تواند پاسخگوی فعالیت‌های پژوهشی در این قلمرو به‌شمار آیند و نیاز است که سرمایه‌گذاری بخش عمومی و خصوصی در آن افزایش یابد. این موضوع به‌ویژه در کشور ایران که از نظام متمرکز برنامه‌ریزی و سیاستگذاری برخوردار است، اهمیت بیشتری می‌یابد.

بنابراین، پاسخ روشن به پرسش نخست این است که وضعیت موجود نه تنها پاسخگوی نیازهای پژوهشی نظام آموزش عالی ایران نیست، بلکه حتی به تقویت نیز نیاز دارد. در قلمرو سیاست‌پژوهی نیز نیازمند ایجاد نهاد یا نهادهای مستقل و برخوردار از اهداف، کارویژه‌ها، نظام ارزیابی و پاداش‌دهی و نیروی انسانی متناسب با آن است.

سناریو نخست

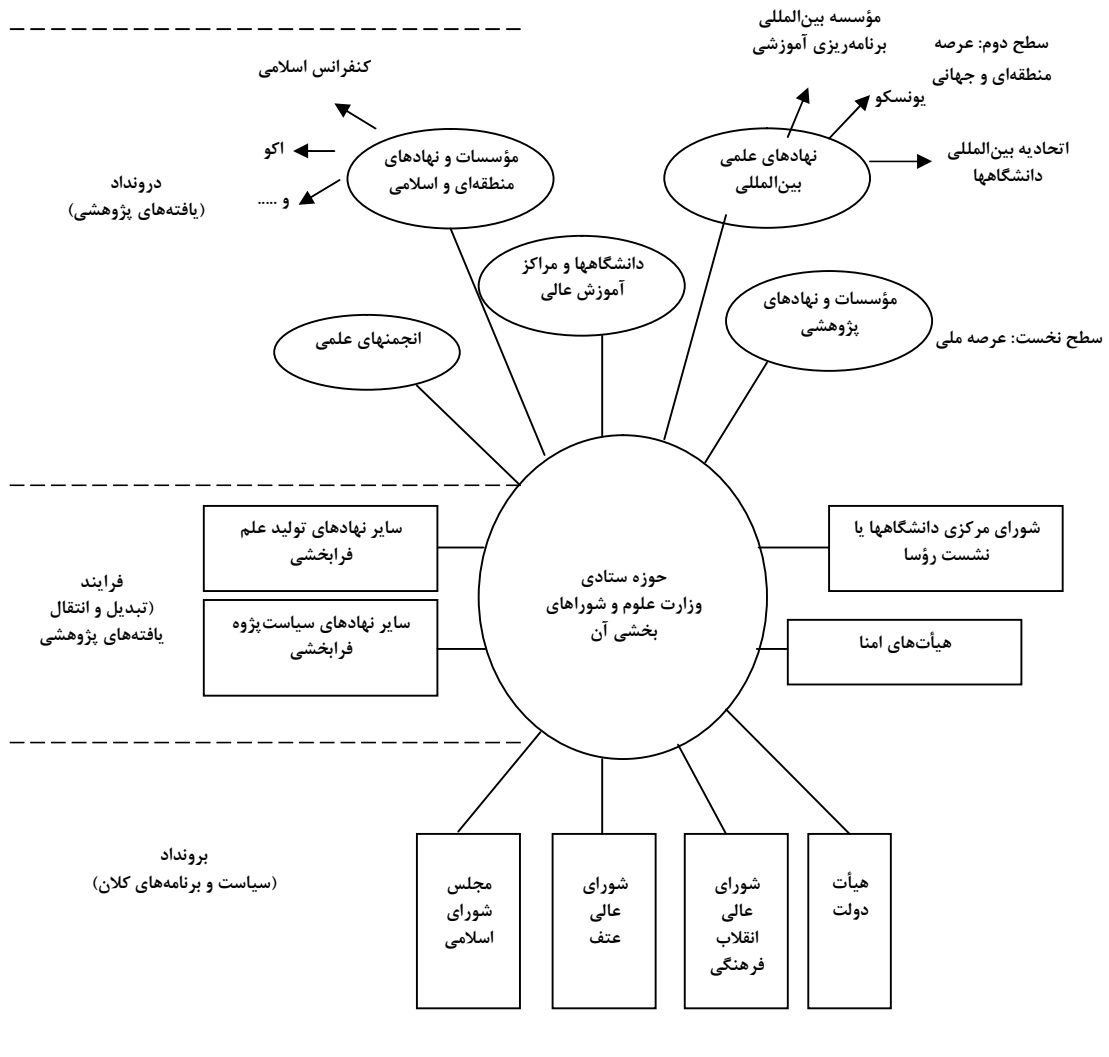
با توجه به وضعیت موجود نهادهای پژوهشی و ابهام موجود در کارویژه‌های حوزه ستادی، می‌توان از الگوی تولید دانش پژوهشی نامتمرکز و تبدیل و توزیع متمرکز که در نگاره ۴ به تصویر کشیده شده است، بهره گرفت. همان‌گونه که در نگاره ۴ دیده می‌شود، حوزه ستادی وزارت عتف کار ویژه تبدیل و توزیع دانش پژوهشی را برعهده می‌گیرد. این الگو به‌صورت نیم شبکه‌ای طراحی شده و به مفهوم آن است که چرخه کامل گردش «دانش پژوهشی» به‌صورت تمام عیار انجام نمی‌شود. نقاط ضعف و قدرت این الگو در جدول ۶ بازتاب یافته‌اند. بزرگ‌ترین نقطه ضعف آن عدم حفظ استقلال نهاد سیاست‌پژوه است که می‌تواند با سوگیریهایی خاص سیاستی و به‌ویژه بخشی همراه باشد.

کاربست چنین الگویی به تغییرات ساختاری و عملکردی نسبتاً زیادی در حوزه ستادی وزارت عتف نیاز دارد. برخی از این تغییرات ممکن است با برنامه‌های توسعه ملی همسویی نداشته باشند، از جمله توسعه و گسترش دفاتر مطالعاتی در حوزه ستادی. در عین حال، تغییرات کمینه لازم را می‌توان به صورت زیر فهرست کرد:

- توسعه سازمانی حوزه ستادی به مفهوم تغییر در نگرشها، ارزشها و باورهای کارکنان بر پایه تغییرات کارکردی و ساختاری مناسب با سیاست‌پژوهی؛
 - باز تعریف کارویژه‌های حوزه ستادی و افزودن کارویژه سیاست‌پژوهی به آن؛
 - افزایش حجم و توان مطالعاتی - کارشناسی نیروی انسانی حوزه ستادی؛
 - بازآموزی و روزآمدسازی نیروی انسانی حوزه ستادی؛
 - جذب و نگهداری نیروهای نواندیش و برخوردار از توان سیاست‌پژوهی؛
 - تأمین بودجه متناسب با حجم فعالیتها و نیروی انسانی؛
 - ایجاد شبکه‌های ارتباطی گسترده با نهادهای پژوهشی ایرانی و بین‌المللی؛
 - باز تعریف کارراه‌های نوین و تغییر در نظام ارزیابی و پاداش‌دهی کارکنان.
- در واقع، بر مبنای این الگو تولید و مدیریت دانش پژوهشی در آموزش عالی نیز بر عهده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری قرار می‌گیرد که می‌تواند از جمله در برگزیده نقاط مثبت و منفی بازتاب یافته در جدول ۶ باشد.

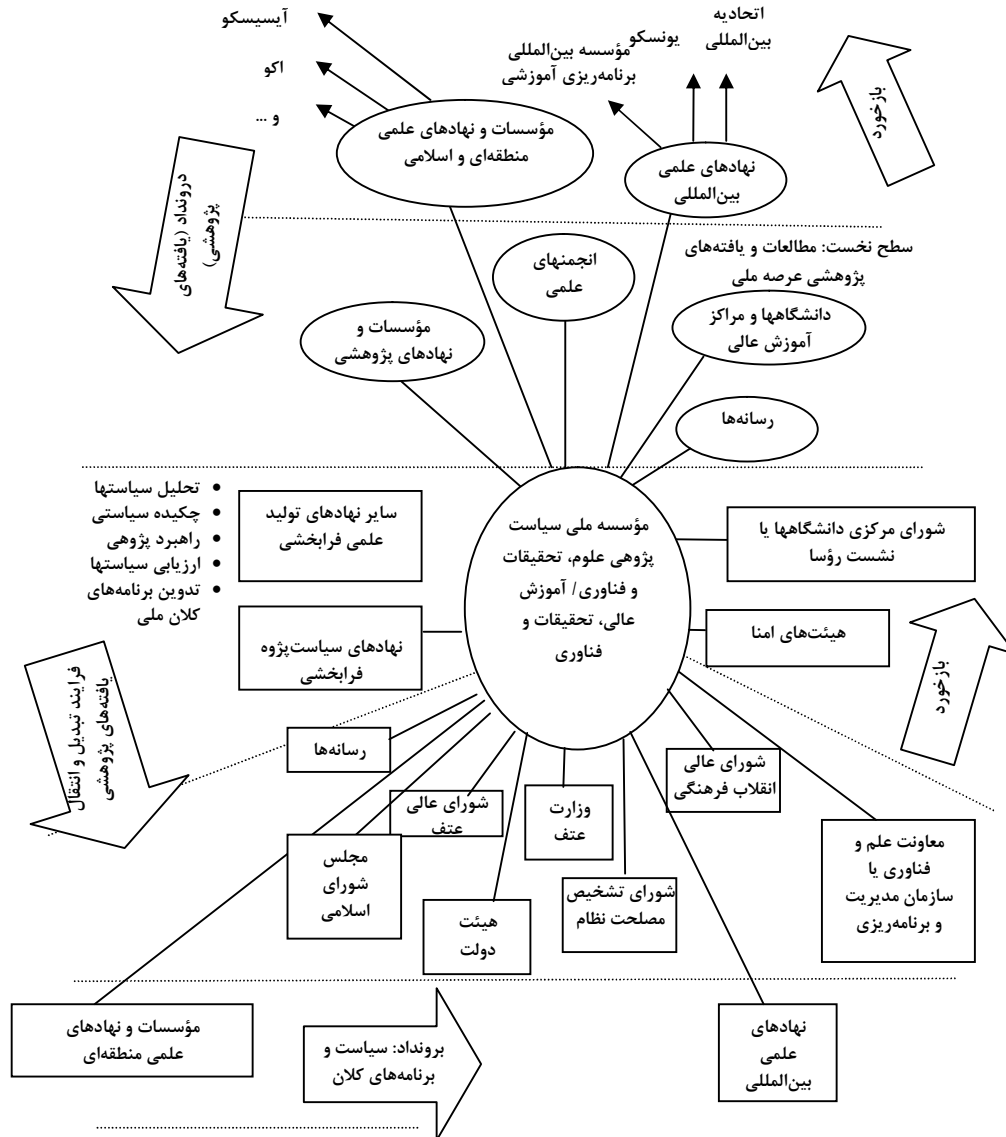
جدول ۶- نقاط قوت و ضعف سناریو نخست: تبدیل و توزیع متمرکز

نقاط قوت	نقاط ضعف
<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد و افزایش همکنشی با مراکز پژوهشی و نهادهای تولید علم؛ • ایجاد و افزایش همکنشی با نهادهای سیاستگذار؛ • سهولت در ایجاد ارتباط دوسویه با نهادهای پژوهشی تولید؛ • سهولت در ایجاد ارتباط دوسویه با نهادهای سیاستگذار؛ • شکل‌گیری مرجع ملی سیاست پژوهی؛ • سرعت بخشیدن به تغییر در کارویژه‌های حوزه ستادی از تصدی‌گری و مداخله‌گری به تصمیم‌سازی و انتقال دانش ملی در زمینه آموزش عالی، تحقیقات و فناوری؛ • افزایش تقاضا به یافته‌های پژوهشی در زمینه آموزش عالی، تحقیقات و فناوری و حوزه‌های مرتبط؛ • شکل‌گیری یک مرجع ملی هماهنگ‌کننده و انسجام بخشی به تصمیم‌ها و سیاستهای آموزش عالی، تحقیقات و فناوری؛ • افزایش توان پاسخگویی وزارت عتف به تصمیم‌ها و سیاستها؛ • چرخش فرایند تصمیم‌گیری از بالا به پایین به فرایند شبکه‌ای؛ • کاهش گسست میان پژوهش، تصمیم و کنش. 	<ul style="list-style-type: none"> • برخوردار نبودن از استقلال علمی در تبدیل یافته‌ها به تصمیم و سیاست به دلیل وابستگی نهادی؛ • احتمال افزایش سوگیریهای سیاسی خاص در تصمیم‌سازیها و سیاست‌سازیها؛ • طولانی شدن فرایند پردازش یافته‌ها به دلیل جو نیمه دیوانسالار حاکم بر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛ • متناسب نبودن نیروی انسانی موجود با کارویژه‌های نوین؛ • برانگیختن مقاومت نیروی انسانی موجود در برابر تغییرات؛ • تداخل در کارویژه‌های اصلی حوزه ستادی؛ برنامه‌ریزی، پشتیبانی و نظارت و ارزیابی؛ • کم ظرفیتی نهادهای دولتی در تولید دانش پژوهشی بی‌طرفانه؛ • نیاز به تغییرات ساختاری و عملکردی با گستره وسیع؛ • افزایش محافظه‌کاری در فرایند تصمیم‌سازی و سیاست‌پژوهی؛ • افزایش حجم نیروی انسانی حوزه ستادی؛ • افزایش نوسانات سیاسی در فرایند تصمیم‌سازی و سیاست‌پژوهی؛ • ضعف نظام دیوانسالاری اداری برای پذیرش مرجعیت علمی در نظام پاداش‌دهی و تصمیم‌سازیها؛ • ناهمسازی فرهنگ سازمانی موجود با فرهنگ مورد نیاز سیاست پژوهی و تصمیم‌سازی؛ • برانگیختن مقاومت نهادهای پژوهشی با فرهنگ لانه کیبوتری برای چرخش آزاد اطلاعات



نگاره ۴- الگوی تولید دانش نامتمرکز، تبدیل و توزیع متمرکز

سطح دوم: مطالعات و یافته‌های
عرصه منطقه‌ای و جهانی



نگاره ۵- الگوی تولید دانش نامتمرکز و تبدیل و انتقال مستقل

سناریو دوم: گذار به وضعیت پیشنهادی

الگوی پیشنهادی این جستار بر پایه مبانی نظری، یافته‌های زمینه‌ای بومی در خصوص وضعیت کنونی سیاست پژوهی و بهینه‌کاوی در عرصه جهانی و با رویکرد سیستمی و ساختار شبکه‌ای طراحی شده است. نخستین امتیاز این الگو امکان برخورداری از استقلال و آزادی علمی [آکادمیک] است که از جمله ضرورت‌های اصلی برای عملکرد بهینه چنین نهادی است. امتیاز دوم آن هم‌کنشی فزاینده در سطوح تولید و کاربست دانش پژوهشی است.

همان‌گونه که در نگاره ۵ تصویر سازی شده است، فرایند گردش داده‌ها، اطلاعات و دانش به‌صورت شبکه‌ای و با محوریت مرکز ملی سیاست‌پژوهی انجام می‌شود. بدین ترتیب که این مرکز با گردآوری داده، اطلاعات و دانش از دو سوی تولید کنندگان و مصرف کنندگان نقش مدیریت دانش در حوزه آموزش عالی را بر عهده خواهد داشت. روشن است که این مرکز افزون بر دریافت، پالایش و انباشت داده‌ها، اطلاعات و دانش از سوی طیف پژوهشگران و کاربران دانش، لازم است بر حسب ویژگی عملکردی به دستکاری و پردازش آنها به‌گونه‌ای بپردازد که نیازهای کاربران؛ یعنی تصمیم‌گیران و سیاستگذاران را برطرف کند. انجام دادن چنین کارویژه‌ای نیازمند عرضه تولیدات به‌گونه‌ای است که موجب تسهیل ارتباطات به‌مثابه پلی میان پژوهشگران و کاربران باشد. این تولیدات می‌توانند به‌صورت تحلیل‌های سیاستی، چکیده سیاستی، خبرنامه و برگزاری نشست‌های هم‌اندیشی با حضور کلیه ذینفعان و رایزنی انجام شوند.

نکته مهم دیگری که در این نگاره به تصویر کشیده شده است، افزون بر ارتباط با نهادهای سیاستگذار، ارتباطی است که در لایه میانی با نهادهای تولید علم فرابخشی و دیگر نهادهای سیاست‌پژوه در دیگر بخشها و قلمروها برقرار می‌شود. از سوی دیگر، برخورداری از ارتباطات با نهادهای تصمیم‌گیر نظیر شورای مرکزی دانشگاهها یا نشست رؤسا و هیئتهای اناست. چنین ارتباطاتی می‌تواند افزون بر کمک به ایجاد هماهنگی و انسجام بخشی به سیاستهای عمومی و به‌ویژه سیاستهای علمی و آموزشی کشور، داده‌های تجربی فراوانی را از دو حوزه مهم دانشگاهی و ملی به‌دست آورد.

در این الگوی پیشنهادی محیط دور و نزدیک این مرکز به شرح زیر دیده شده است:

در بخش تولید، محیط نزدیک در برگیرنده نهادهای ملی تولید داده، اطلاعات و دانش است. محیط دور ارتباطات میان این مرکز با نهادهای اثرگذار بر سیاستهای علمی آموزشی ملی را پوشش می‌دهد. در بخش کاربران و مصرف کنندگان، داده، اطلاعات و دانش محیط نزدیک نهادهایی را پوشش می‌دهد که تأثیرگذاری مستقیمی بر سیاستهای آموزش عالی / علمی دارند.

محیط دور آن دو عرصه ملی و بین‌المللی را در بر می‌گیرد. در عرصه ملی ارتباطات دوسویه و چرخشی با نهادهای سیاستگذار ملی دیده شده است. در عرصه بین‌المللی نهادهایی گنجانده شده‌اند که می‌توانند بر سیاستهای آموزش عالی / علمی جهانی و منطقه‌ای اثرگذار باشند. دلیل عمده گنجاندن این نهاد در دو سوی قطب تولید و مصرف داده، اطلاعات و دانش، وضعیت کنونی است که کشورهای در

حال توسعه به‌ویژه ایران بدان گرفتار آمده‌اند؛ بدین معنا که معمولاً تولیدات نهایی این‌گونه نهادها، که در صورت پایداری بدانها که به لحاظ هنجارهای بین‌المللی امری ضروری است، در سیاست‌های ملی کشورها هستند. وانگهی، در حال حاضر اثرگذاری اندکی از سوی کشورهای در حال رشد در آنها دیده می‌شود. اما دیدن آنها در دو سوی قطب تولید و مصرف بدین معناست که ارتباطات با آنها به شکل کنش‌پذیر و یکسویه نباشد. حفظ پویایی این ارتباطات نیازمند شکل‌گیری ارتباطی چند جانبه و دوسویه است. چنین ارتباطی می‌تواند به تأثیرگذاری بر سیاست‌های جهانی نیز بینجامد که خود می‌تواند هموارکننده مسیر برای اجرای سیاست‌های پژوهش بنیان ملی باشد.

در جدول ۷ نقاط قوت و ضعف الگوی پیشنهادی تولید نامتمرکز و انتقال مستقل گنجانده شده است. طبیعی است که هر الگویی نقاط ضعفی دارد که تقریباً گریزی از آنها نیست. هم‌هنگام، نقاط قوت این الگو به حدی هست که بتوان به پی نهادن آن اندیشید.

جدول ۷- نقاط قوت و ضعف سناریو دوم: تولید نامتمرکز و انتقال مستقل

نقاط ضعف	نقاط قوت
<ul style="list-style-type: none"> • تمرکزگرایی موجب کاهش رقابت می‌شود و می‌تواند موجب سکون و سستی در نهادها شود؛ • امکان شکل‌گیری سوگیری‌های خاص در تصمیم‌ها و سیاست‌ها؛ • امکان کاهش دگراندیشی و تن دادن و توجیه وضعیت موجود و گریز از نوآوری و نواندیشی؛ • امکان انباشت قدرت و رانت‌جویی در فرایند تصمیم‌سازی و سیاست‌سازی؛ • مقاومت افراد و نهادهای علمی- پژوهشی در مقابل چرخش آزاد یافته‌های پژوهشی؛ • امکان شکل‌گیری ائتلاف با نهادهای تصمیم‌گیر و سیاستگذار؛ • کاهش توجه به نهادهای پژوهشی در عرصه ملی به دلیل کاهش ارتباط مستقیم با نهادهای تصمیم‌گیر و سیاستگذار. 	<ul style="list-style-type: none"> • افزایش توان مدیریت دانش در حوزه آموزش عالی / علوم، تحقیقات و فناوری؛ • جذب و گردآوری نیروهای توانمند ملی اندیشه پرداز و سیاست‌پژوه در نهادهای ملی؛ • هم‌افزایی ناشی از گردهمایی اندیشمندان سیاست پژوه؛ • شکل‌گیری مفاهیم بیشتر در تدوین سیاست‌ها؛ • افزایش انسجام و یکپارچگی سناریوهای تصمیم و سیاست در عرصه ملی علوم، تحقیقات و فناوری؛ • افزایش توان ارتباطی نظام علمی کشور؛ • تدوین تصمیم‌ها و سیاست‌ها بر مبنای یافته‌های پژوهشی چند ساحتی؛ • کمک به چرخش آزاد اطلاعات و دانش؛ • جلوگیری از پراکنش نیروی انسانی نخبه در قلمرو سیاست‌پژوهی علوم، تحقیقات و فناوری؛ • شکل‌گیری نهادی توانمند که می‌تواند موجب جلب اعتماد دوسویه تولید و مصرف کنندگان دانش اجتماعی پژوهشی شود؛ • برخورداری از استقلال و آزادی علمی در تولیدات پژوهشی؛ • افزایش هم‌کنشی‌های اندیشه‌ای بین‌المللی به جای کنش‌پذیری صرف جهانی؛ • ایجاد پل ارتباطی دوسویه میان پژوهش و کنش؛ • افزایش توان جذب منابع مالی درخور که می‌تواند پیامد این ارتباط چند بعدی و دوسویه است؛ • ایجاد تقاضا برای فعالیتهای پژوهشی اجتماعی؛ • کمک به هدفمندسازی پژوهش‌های اجتماعی در حوزه علوم، تحقیقات و فناوری.

بحث و نتیجه‌گیری

ایجاد و پاگیری و موفقیت نهادهای نوین در هر حوزه‌ای نیازمند ایجاد آگاهی و مفاهمه در میان ذینفعان است. افزون بر آن، باید در نظر داشت که سیاست عمومی که بر حسب مفهوم‌سازیها می‌تواند بر افراد جامعه و اجتماعات اثرگذار باشد، نیازمند چرخش آزاد اطلاعات است. بدین ترتیب، محرمانه پنداشتن عملیات سیاست‌سازی و سیاستگذاری و دور از دسترس نگه داشتن آن از افکار عمومی می‌تواند نه تنها به از میان رفتن اثربخشی سیاست پژوهی، بلکه به گونه‌ای موجب افزایش خودبستگی نیز بشود. در این صورت، شکل‌گیری نهاد متمرکز نه تنها سودمند نخواهد بود، بلکه موجب پیچیده‌تر شدن فرایند سیاست‌سازی و سیاستگذاری نیز می‌شود. موارد زیر از جمله بایسته‌هایی است که در نظر گرفتن آنها به افزایش پویایی و کارایی چنین نهادی می‌انجامد:

- مفهوم‌سازی سیاست پژوهی و ترویج آن در گستره نهاد آموزش عالی ایران؛
- پیش‌بینی تمهیدات و سازکارهای لازم برای ایجاد انگیزه در پژوهشگران و تصمیم‌گیران در افزایش همکنشی و شکل‌گیری ارتباطات در میان آنها؛
- تأمین و تخصیص منابع مالی و زیرساختی مناسب برای ایجاد لایه نوین تصمیم‌ساز؛
- ایجاد امکان جذب نیروی انسانی توانمند بدون ملاحظات سیاست زده و جرگه‌سالار کنونی با رویکرد میان رشته‌ای؛
- برانگیختن تقاضا برای دانش پژوهشی به‌منظور تصمیم‌گیری و سیاستگذاری از طریق:
 - * ایجاد و افزایش آگاهی ذینفعان و دست‌اندرکاران؛
 - * ایجاد فضای اطمینان؛
 - * افزایش شفافیت در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری؛
 - * تولید دانش مناسب متکی بر داده‌های معتبر در تولید دانش پژوهشی؛
 - * ترغیب به افزایش همکنشی با نهادهای دانشگاهی برای سوق دادن پژوهشهای آکادمیک، به‌ویژه پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی به سوی پژوهشهای مسئله محور؛
 - * ارائه بازخورد دوسویه از نتایج و پیامدهای کاربردی دانش پژوهشی در فرایند تصمیم‌گیری و سیاستگذاری؛
- ایجاد انگیزه در طرف عرضه دانش پژوهشی از طریق:
 - * کاربردی یافته‌ها در فرایند تصمیم‌گیری و سیاستگذاری؛
 - * نظام پاداش‌دهی مناسب؛
 - * ارائه بازخورد در خصوص یافته‌های پژوهشی؛
 - * افزایش استقلال نهادی و امنیت شغلی پژوهشگران و سیاست‌پژوهان؛
 - * کاهش سوگیریهای سیاسی و سیاست‌زده؛

* نرمش پذیری در ایجاد کارراهه‌های مناسب شغلی؛
* ایجاد استانداردهای بنیانی برای جذب نیروی انسانی کارآمد؛
* ایجاد سازکارهای لازم برای پاسداری از آزادی علمی، چرخش آزاد اطلاعات و اطلاع‌رسانی.
در پایان یادآوری این نکته ضروری به نظر می‌رسد که شکل‌گیری مراکز سیاست پژوهی به مفهوم پایان دادن یا کاهش مطالعات و پژوهشها و کاستن از نهادهای پژوهشی در قلمرو آموزش عالی نیست. بنیان سیاست‌پژوهی بر یافته‌های پژوهشی استوار است و بنابراین، چنین نهادی زمانی می‌تواند اثربخش باشد که به منابع گسترده و ژرف پژوهشی دسترسی داشته باشد. این نکته به‌ویژه با توجه به موردکاوی وضعیت منابع انسانی، منابع مالی و حتی منابع فیزیکی نهادهای پژوهشی در زمینه مورد بحث که از ضعف منابع برخوردار بودند، جنبه جدی‌تری به خود می‌گیرد. بنابراین، به موازات شکل‌گیری لایه تصمیم‌ساز در فرایند تصمیم‌گیری و سیاستگذاری آموزش عالی، تقویت و تنوع بخشی به این نهادهای پژوهشی گریزناپذیر به نظر می‌رسد.

References

1. Alvani, S. M. (1998). Inefficiency of detail oriented structures in oprating Iran third development plan. First Conference of Third Development Plan, Proceeding, Vol. 6, Tehran: Management and Planning Organization.
2. Barlas, Y., & Yasarcan, H.(2006). Goal setting, evaluation, university, London learning and revision: A dynamic modeling approach. *Evaluation and Program Planning*, 29(1), 79-87.
3. Birnbaum, R. (2000). Policy scholars are from venus. Policy Maker are from Mars. *The Review of Higher Education*, 23(2), 119-132.
4. Bogenschneider, K., Olson, J.R., Linney, K. D., & Mills, J. (2000). Connecting research and policymaking: Implication for theory and practice from the family impact seminar. *Family Relation*, 49(3), 327-339.
5. Ghanee Rad, M. A. (2000). Management structure in Iran scientific system. Tehran: National Research Institute for Science Policy (in Persian).

6. Ghane Rad, M. A. (2000). Scientific system in Iran's third development plan. Tehran: National Research Institute for Science Policy (in Persian).
7. Hadi Peykani, M. (2008). A model for policy making process in Islamic Republic of Iran higher education. (Doctoral dissertation). Allameh Tabataba'i University (in Persian).
8. Javdani, H. (2007). Gueidlines, designing and planning process of fifth developing plan in higher education segment. orderd by Consultations Committee of Fifth Development Plan in Higher Education segment. Tehran: Institute for Research and Plannin of Higher Education (in Persian).
9. Javdani, H. (2008). Studying oraganizational development in management of higher education in Iran. (Doctoral dissertation). Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshty University (in Persian).
10. Javdani, H. (2010). Policy research: The missing layer of decision and policy making in Iraninan higher education system. Tehran: Higher Institute of Education and Research, Management and Planning(in Persian).
11. Javdani, H., & Pardakhtchi, M.H. (2007). Study of organizational development in Iranian higher education system. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 13(46), 21-44 (in Persian).
12. Jefferys, M., Troy, K., Slawik, N., & Light Foot, E. (2007). *Issues in bridging the divide between policymakers and researches*. The College of Education & Human Development, University of Minnesota.
13. Kirst, M.W. (2000). *Bridging education research and education policymaking*. Oxford Review of Education, 26(3/4),USA:Taylor & Francis.
14. Mayor, F., & Agosto, F. (1995). *Science and power*. Transled by Vahidi, P., Tehran: Management and Planning Organization (in Persian).

15. Mehrabi, M. (2008). Research institutions public section in Iran. Tehran: National Research Institute for Science Policy (in Persian).
16. Nieva, V.F., Murphy, R., Ridley, N., Donaldson, N., Combes, J., Mitchell, P., Kovner, CH., Hoy, E., & Carpenter, D. (2003). From science to service: A framework for the transfer of patient safety research into practice. *Advances in Patient Safety*, 2, 441-442.
17. Weiss, C.H. (1990). *The uneasy partnership endures: Social science and government, social scientist, policy and the state*. pp. 97-112, New York: Praeger.